

تحلیل گذرایی افعال «زیرشمول فعل گفتن» بر اساس نظریه پیش نمونه

فائقه شاه‌حسینی (کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی)

تاریخ پذیرش مقاله: اسفند ۱۳۸۸

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۳۸۸

چکیده

مقاله حاضر به بررسی «تحلیل گذرایی افعال زیرشمول فعل گفتن بر اساس نظریه پیش نمونه» می‌پردازد. تاکنون «گذرایی» از جنبه‌های مختلفی بررسی شده و یکی از موضوع‌های مطرح در مطالعات دستوریان و زبان‌شناسان بوده است. یکی از دلایل اهمیت بررسی ساخت گذرا اینست که گذرایی در همه زبان‌ها وجود دارد و جزء جهانی‌های زبانی محسوب می‌شود. هرچند در زبان فارسی این ساخت از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده ولی با این وجود، درباره «افعال زیرشمول فعل گفتن» تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و این افعال به رغم اهمیت بسیاری که در ترجمه و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دارند، هنوز بررسی نشده‌اند. به این منظور، نگارنده از نظریه پیش‌نمونه‌نگی به عنوان ابزاری تحلیلی برای بررسی این ساخت بهره برده است. براساس این نظریه، پیش‌نمونه عضو کانونی و بارز هر مقوله است و سایر اعضا بر حسب شباهتشان با این عضو تعریف می‌شوند. «افعال زیرشمول فعل گفتن» در زبان فارسی را می‌توان بنابر نقش مفعول آنها در سطح معنایی توصیف کرد و طبق آن گذرایی این افعال را مشخص کرد. همچنین طبق تحقیق حاضر افعال زیرشمول فعل گفتن در زبان فارسی را می‌توان در سه گروه افعال گذرای پیش‌نمونه‌ای، افعال گذرای غیر پیش‌نمونه‌ای و افعال ناگذرا تقسیم کرد.

واژه‌های کلیدی: گذرایی، پیش‌نمونه‌نگی، افعال زیرشمول فعل گفتن.

۱. مقدمه

مقاله حاضر با هدف بررسی و تحلیل گذرای در افعال زیرشمول فعل «گفتن» (نظیر خطاب کردن، اطلاع دادن، نجوا کردن و ...)، به نگارش در آمده است. در این پژوهش سعی شده به رابطه میان ساختار نحوی و معنایی پرداخته شود و به این منظور از نظریه پیش‌نمونه به عنوان ابزار تحلیلی استفاده شده است.

تاکنون درباره پیش‌نمونه‌گی در ساخت گذرا تحقیقات مفصلی صورت گرفته است مانند نس (Nass 2007) و شاه‌حسینی (۱۳۸۸)، ولی درباره «افعال زیرشمول فعل گفتن» در فارسی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و این افعال به رغم اهمیت بسیاری که در ترجمه و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دارند، هنوز بررسی نشده‌اند.

نخستین بار، ماریال و فیبر (Marial and Faber: 1999)، «افعال زیرشمول فعل گفتن» در زبان انگلیسی را به ۶۲ طبقه تقسیم کردند و پس از آنها گیل (Gil: 2007) در تحقیقی، گذرای این افعال را بر اساس نظریه پیش‌نمونه بررسی کرد و این افعال را در دو طبقه بسیار گذرا و ناگذرا قرار داد.

این پژوهش به بررسی معنایی «گذرای در افعال زیرشمول فعل گفتن» در زبان فارسی بر اساس نظریه پیش‌نمونه، در چارچوب معنی‌شناسی شناختی می‌پردازد. هر فارسی‌زبانی، در سال‌های تحصیل خود، با مفهوم «گذرای» و «ناگذرای» افعال فارسی آشنا می‌شود. در دیدگاه‌های سنتی، ساخت گذرا صرفاً به ساختی اطلاق می‌شد که بتواند مفعول صریح داشته باشد. این ساخت را «متعدی» نیز می‌نامیدند. افزون بر این، ساخت ناگذر صرفاً ساختی بود که فعل آن لازم باشد و نتواند مفعول صریح بگیرد. ولی در دیدگاه‌های شناختی مطالعه نحو زبان بدون پرداختن به معنی و پیام اصلی غیر ممکن است و مفاهیم رابطه‌ای سلسله‌مراتبی دارند. به عبارتی، هر مفهومی بر اساس مفهومی دیگر که حاصل تجربه پیشین است، شکل می‌گیرد. بنابراین، نظریه پیش‌نمونه می‌تواند به تبیین معنایی فعل و صورت‌های زبانی با رویکردی شناختی بپردازد.

به این ترتیب، هدف از پژوهش حاضر، بررسی گذرای در افعال گفتن در پیکره مطالعات

معنایی است. نگارنده بر این باور است که بر مبنای ویژگی‌های نحوی و معنایی می‌توان به طبقه‌بندی جامعی برای تحلیل افعال گفتن رسید.

۲. نظریه پیش‌نمونه

نظریه پیش‌نمونه نخستین بار از سوی روش و همکارانش (E. Rosch et al) در تحقیقات تجربی روانشناسی شناختی مطرح شد (Evans and Green 2006:255). مشکلاتی که بر سر راه تعیین شرایط لازم و کافی مفاهیم با توجه به شرایط لازم و کافی وجود داشت، سبب شد تا معنی‌شناسانی چون روش (Rosch 1973)، روش، مرویس، گری و همکارانشان (Rosch et al. 1976) به طرح پیش‌نمونه‌ها گرایش نشان دهند و روش استفاده از پیش‌نمونه‌ها را برای توضیح مفاهیم معرفی کنند. اینان بر اساس مجموعه‌ای از تحقیقات میدانی به این نتیجه رسیدند که مفهوم واژه‌ها را می‌توان در مقوله‌ها و سطوح مختلفی طبقه‌بندی کرد (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۷۴). به اعتقاد آنها، پیش‌نمونه به مقولاتی اطلاق می‌شود که عضو مرکزی یا کانونی یک مقوله باشند؛ مثلاً صندلی نسبت به لامپ، به پیش‌نمونه اسباب و اثاثیه منزل نزدیکتر است (Saeed 1977: 37).

تیلور (Taylor 1955: 65) به نقل از لانگاکر (Langacker 1987: 371) در مورد پیش‌نمونه می‌گوید: «پیش‌نمونه، نمونه‌ای از یک مقوله است که سایر عناصر به این مقوله بر اساس شباهتشان به نمونه اصلی مربوط می‌شوند.»

در نظریه پیش‌نمونه دو اصل اساسی برای مقوله‌بندی ذهن انسان وجود دارد؛ نخست اصل صرفه‌شناختی و دوم اصل ساخت جهان درک شده (perceived world structure). این دو اصل سبب تسریع در نظام مقوله‌بندی بشر می‌شود. بر مبنای اصل اول، انسان‌ها همواره در تلاشند تا هرچه می‌توانند در مورد محیط اطراف خود اطلاعات بیشتری دست آورند و این در حالی است که می‌کوشند تلاش شناختی و منابع را به حداقل برسانند. به عبارتی، انسان‌ها به جای ذخیره اطلاعات پراکنده و اختصاص حجم وسیعی از ذهن خود عناصر مختلف، ترجیح می‌دهند همین عناصر و اطلاعات را برای رعایت اصل صرفه در بازنمایی شناختی مقوله‌بندی کنند. بنابر اصل دوم، نیز جهان اطراف ما ساختاری متناظر و به هم پیوسته دارد. برای مثال،

یکی از نمونه‌های حقیقی جهان که همیشه «بال» همراه با «پر» می‌آید و برخورداری از این دو ویژگی امکان پرواز را برای پرنده به دنبال دارد و هیچگاه بال داشتن، با تنفس با آبخش یا زیستن در اعماق دریا، تداعی نمی‌شود. بنابراین اصل، بشر برای شکل‌دهی و تنظیم مقولات، به ساختارهای متناظر و وابسته به یکدیگر متکی است.

دو اصل مذکور به انسان توانایی بیشتری در مقوله‌بندی جهان خارج می‌دهد، گرچه اصل اول موارد جزئی و میزان شمول در مقوله را شامل می‌شود. اصل دوم، نمونه یا معرف گویا، یا به عبارتی «پیش‌نمونه» هر مقوله را در بر می‌گیرد.

روش معتقد است این دو اصل سبب می‌شود نظام شناختی ما مانند شکل ۸ بر مبنای محور عمودی و افقی سازمان یابد و دو بعد داشته باشد (Evans and Green 2006:256-7).

وسایل نقلیه	پستانداران	اسباب
اتومبیل	سگ	صندلی
اتومبیل سواری	سگ گله	صندلی گهواره‌ای

شکل ۸ نمایش سطوح شامل (levels of inclusiveness)

اگرچه زبان‌شناسان از معیارهای روان‌شناسان شناختی در طبقه‌بندی مفاهیم بهره جسته‌اند، ولی کار خود را به طبقه‌بندی اشیا بر حسب گونه‌های طبیعی (نظیر مقولات پیش‌نمونه‌ای پرندگان، میوه‌ها، اثاثیه و ...) محدود نکرده‌اند و مفهوم پیش‌نمونه و مقوله‌بندی را به دیگر حوزه‌های زبان‌شناسی از جمله تحقیقات معنی‌شناسی، نحوی، کلامی و غیره راه دادند. در ادامه، به بررسی پیش‌نمونه‌نگی در ساخت گذرا و به ویژه «افعال گفتن» می‌پردازیم.

۳. گذرایی افعال بر اساس نظریه پیش‌نمونه

طبق تعریف «پیش‌نمونه»، نمونه‌ای از مقوله است که سایر موارد بر اساس شباهتشان به آن مقوله تعریف می‌شوند. گیون (Givon 2001:109) معتقد است، گذرایی یکی از پدیده‌های پیچیده در زبان‌هاست که باید در غالب مؤلفه‌های نحوی و معنایی بررسی شوند. به اعتقاد

وی، از لحاظ معنایی هر پدیده گذرا باید شامل یک «عامل» (کنش گر) صاحب اختیار باشد. همچنین تأثیرپذیری، یکی دیگر از موارد اجباری است. منظور از تأثیرپذیری آنست که فردی یا چیزی پذیرای کنش عامل قرار بگیرد و به عبارتی نقش کنش پذیر را داشته باشد. علاوه بر این، پدیده‌های گذرا رخدادهایی را در بر می‌گیرند که تکمیل پذیر بوده و بتوانند به سرعت تغییر کنند. گیون از لحاظ نحوی نیز ساخت‌های گذرا را تعریف می‌کند و بر این باور است که هر بند یا جمله‌ای که در آن مفعول مستقیم حضور یابد، الزاماً ساختی گذرا است و در غیر این صورت سایر ساخت‌ها ناگذرا به حساب می‌آیند.

تیلور (Taylor 1995:206) پیش‌نمونه ساخت گذرا در انگلیسی را معرفی کرد و ویژگی‌های نحوی این ساختار را در فرمول «NP1 Vtrans NP2» نشان داد. NP1 و NP2 به ترتیب نمایانگر گروه فاعلی و گروه مفعولی است و Vtrans باید فعلی گذرا یا به عبارتی حداقل دو ظرفیتی باشد. در فرمولی که او برای پیش‌نمونه این ساخت ارائه کرده است، هر یک از NP ها باید مرجع مشخصی داشته باشند.

نس (Nass 2007: 16-17) به دو پیش‌بینی برای پیش‌نمونه ساخت گذرا می‌رسد. نخست، هر بندی که به لحاظ صوری یا ساختاری گذرا نباشد به لحاظ معنایی نیز از ساخت گذرا فاصله می‌گیرد. به عبارتی، هر چند عوامل بسیاری بر ویژگی‌های صوری یک بند تأثیر می‌گذارند ولی مفهوم پیش‌نمونه بودن، ساختار ویژه‌ای را برای بند رقم می‌زند. دوم، تمام بندهایی که مشخصه‌های معنایی گذرایی را در بر می‌گیرند الزاماً به لحاظ صوری گذرا هستند. همچنین در تعریف پیش‌نمونه ساخت گذرا همواره فرضیه حد اکثر تمایز میان کنش گر و کنش پذیر مطرح بوده است (Givon 2001 : 91-94 & Nass 2007:28-29). تمایز میان کنش گر و کنش پذیر بر اساس تمایز فیزیکی و مفهومی قابل بررسی است.

اکنون به بررسی کاربرد این تعاریف در «افعال گفتن» می‌پردازیم.

۴. گذرایی «افعال زیرشمول فعل گفتن» در زبان فارسی براساس نظریه پیش‌نمونه

همان‌طور که طبق تعریف‌های فوق گفته شد، پیش‌نمونه فعل گذرا، فعلی است که از یک سو، به لحاظ نحوی از یک فاعل، مفعول و فعل گذرا تشکیل شده باشد. از سوی دیگر، در

سطح معنایی، مفعول نقش کنش‌پذیر را داشته باشد و فاعل نقش عامل یا کنش‌گر را پذیرفته باشد.

حال می‌توان با بهره‌گیری از نظریه پیش‌نمونه، «افعال زیرشمول فعل گفتن» در زبان فارسی را بر حسب گذرایی آنها در پیوستاری توصیف کرد. به این منظور، «افعال زیرشمول فعل گفتن» در سه گروه پیش‌نمونه، غیر پیش‌نمونه و ناگذرا تقسیم‌بندی شده‌اند.

در گروه اول، افعال زیرشمول فعل گفتن پیش‌نمونه، مفعول اثری را از فاعل پذیرفته و به عبارتی در این جملات مفعول کنش‌پذیر و فاعل نقش عامل یا کنش‌گر را دارد (مثال‌های ۱ تا ۵).

(۱) او با گفتارش من را تهدید کرد.

(۲) معلم با صدای بلند او را خطاب کرد.

(۳) روزنامه‌ها سیاست ضعیف او را مخاطب قرار داده بودند.

(۴) او همه شاگردانش را سرزنش می‌کند.

(۵) اینها را گونه‌برتر می‌نامیدند.

همان‌طور که در مثال‌های ۱ تا ۵ مشاهده می‌شود ساخت نحوی این جملات یکسان است و به عبارتی همه این جملات از ساخت فاعل، مفعول و فعل تشکیل شده‌اند. همچنین از لحاظ ساخت معنایی نیز همه مفعول‌ها کنشی را از سوی فاعل پذیرفته‌اند. به این ترتیب، در جمله‌ای نظیر ۱، مفعول جمله «مورد تهدید قرار گرفته»، در جمله ۲، مفعول از سوی فاعل مورد خطاب قرار گرفته است. همچنین در جمله ۳ تا ۵ به ترتیب مفعول از سوی فاعل به لحاظ معنایی، «مورد خطاب قرار گرفته»، «سرزنش شده» و «نامیده شده است».

گروه دوم، آن دسته از افعال زیرشمول فعل گفتن‌اند که در واقع مفعول، نقش کنش‌پذیر را ندارد و مفعول در مواردی رابطه‌ای طبیعی با فعل دارد یا در مواردی دیگر مفعول قبل از رخدادن فعل وجود داشته و به عبارتی تأثیری را از فعل پذیرفته است. افعالی نظیر نجوا کردن، بیان کردن، تکرار کردن، شهادت دادن، زمزمه کردن، پذیرفتن، رد کردن و ... نمونه‌هایی از این افعالند که برخی از آنها در مثال‌های ۶ تا ۱۵ آورده شده‌اند.

(الف)

- ۶) او کلماتی را در گوش دوستش نجوا کرد.
- ۷) آنها مداوم این کلمه را تکرار می کردند.
- ۸) سرانجام رئیس نظراتش را اظهار کرد.
- ۹) زیرلب چیزی را زمزمه می کرد.
- ۱۰) تظاهرات کنندگان جملاتی را با صدای بلند فریاد می زدند.

(ب)

- ۱۱) من نظر داور را پذیرفتم.
 - ۱۲) او این محبت دوستش را دیگر نپذیرفت.
 - ۱۳) همه حضار حسن خلق او را ستایش می کردند.
 - ۱۴) بارها رئیس این ایرادها را تذکر داده بود.
 - ۱۵) خیلی زود گزینه‌های درست را حدس می زدند.
- در مثالی نظیر نمونه ۶، نتیجه طبیعی «نجوا کردن»، گفتن «کلمه در گوش» است. در این نمونه‌ها، هرچند ساخت نحوی آنها به گونه‌ای است که از یک فاعل و مفعول بهره‌مند شده‌اند ولی به لحاظ معنایی از پیش نمونه ساخت گذرا دور می‌شوند، زیرا در هیچ یک از این نمونه‌ها مفعول، کنشی را از سوی فاعل نپذیرفته است.
- نمونه‌هایی مانند ۱۱ تا ۱۵، مجموعه‌ای از افعال زیرشمول فعل گفتن را در بر می‌گیرد که به عنصری اشاره می‌کنند که قبل از رخداد فعل وجود داشته است. به عبارتی، در مثالی نظیر ۱۱ اول «تصمیمی گرفته شده» و سپس «آن را پذیرفتم». سایر نمونه‌ها، هرچند به لحاظ نحوی از ساختار فاعل - مفعول - فعل تشکیل شده‌اند ولی به لحاظ معنایی ساختی غیر گذرا را به تصویر می‌کشند. علت اصلی آن هم اینست که مفعول، کنشی را از سوی فاعل نمی‌پذیرد.
- گروه سوم، به مجموعه‌ای از افعال زیرشمول فعل گفتن اختصاص یافته که به لحاظ ساختاری و معنایی فعل گذرا نیستند. به عبارتی در این مجموعه افعال بدون حضور مفعول معنی جمله مشخص است و به لحاظ معنایی نیازی به نقش کنش‌پذیر احساس نمی‌شود. مثال‌های ۱۶ تا ۲۰

نمونه‌هایی از این افعالند.

(۱۶) در آن جلسه با دوستان گپی زدند...

(۱۷) آنها به همه نظرات جدید اعتراض می‌کردند.

(۱۸) ناگهان از سوی مجلس بانگ برآوردند که ...

(۱۹) او به این طریق به همه توهین کرد.

(۲۰) تمام روز پای کامپیوتر چت می‌کرد.

همان‌طور که در مثال‌های فوق دیده می‌شود، این افعال نیازی به گروه اسمی مفعولی و کنش‌پذیر ندارند. همچنین از لحاظ ساخت صوری و معنایی از ساخت گذرا کاملاً فاصله گرفته‌اند.

در جدول ۲، فهرستی از افعال زیرشمول فعل گفتن بر حسب نزدیکی یا دوری‌شان به پیش‌نمونه فعل گذرا آورده شده است.

جدول ۲: گذرای در افعال زیرشمول فعل گفتن

گفتن، خطاب کردن، تهدید کردن، اطلاع دادن، درخواست کردن، پرسیدن، انتقاد کردن، نامیدن، فراخواندن، ستودن، تحسین کردن، اطمینان دادن، سرزنش کردن، صدا کردن، شکایت کردن، اخطار دادن	پیش‌نمونه	
سؤال کردن، فریاد زدن، نجوا کردن، مین‌مین کردن، بیان کردن، تکرار کردن، تکلم کردن، شهادت دادن، حکایت کردن، ایراد کردن، نطق کردن، بر زبان آوردن، اظهار کردن، زمزمه کردن، تقاضا کردن، استدعا کردن، فریاد زدن، بحث کردن، اعلام کردن، ابراز کردن، بازگو کردن	الف غیرپیش‌نمونه	افعال گذرا
پذیرفتن، قبول کردن، رد کردن، پذیرفتن، ستودن، ستایش کردن، تذکر دادن، ذکر کردن، از بر خواندن، حدس زدن، یادآوردن.	ب	
گپ زدن، حرف زدن، اعتراض کردن، پای منبر رفتن، بانگ برآوردن، داد کشیدن (استعاری)، چت کردن، توهین کردن، (به) تهنه‌پته افتادن، اختلاط کردن (غیررسمی)، پرگویی کردن، غر زدن.		افعال ناگذرا

۵. نتیجه‌گیری

طبق آرای زبان‌شناسان شناختی ما تجربیاتی را در جهان خارج به دست می‌آوریم و در نتیجه تصویری از آنچه تجربه کرده‌ایم، در ذهن ما نقش می‌بندد. اغلب معنی‌شناسان شناختی روابط

دستوری و نقشی را وابسته به یکدیگر می‌دانند و خود را محدود به آنها به صورت جداگانه نمی‌کنند. بر اساس آنچه در این مقاله گفته شد، برای تبیین ساخت گذرا صرفاً نمی‌توان به تعریف‌ها و معیارهای سنتی بسنده کرد. زیرا بیش از آن که ساخت گذرا به صورت و فعل وابسته باشد به شناخت و تعبیر گویشور از چنین ساختی مربوط می‌شود. علاوه بر این، ساخت گذرا ماهیتی پیوستاری دارد و در بسیاری موارد فقط براساس حضور ملاک‌های سنتی نمی‌توان نوع ساخت را تعیین کرد. هر بندی که به لحاظ صوری یا ساختاری گذرا نباشد به لحاظ معنایی نیز از ساخت گذرا فاصله می‌گیرد. به عبارتی، هر چند عوامل بسیاری بر ویژگی‌های صوری یک بند تأثیر می‌گذارند ولی مفهوم پیش‌نمونه بودن، ساختار ویژه‌ای را برای بند رقم می‌زند. تمام بندهایی که مشخصه‌های معنایی گذرایی را در بر می‌گیرند الزاماً به لحاظ صوری گذرا هستند. تمامی جمله‌ها در فاصله‌ای منطقی از دو پیش‌نمونه گذرا و ناگذرا گسترده شده‌اند. به عبارتی، هر چه فاعل به نقش کنش‌گر و مفعول به نقش کنش‌پذیر نزدیک‌تر باشد، احتمال حضور آن در ساخت گذرا بیشتر می‌شود.

افزون بر این، «افعال زیرشمول فعل گفتن» در زبان فارسی را می‌توان بنابر نقش مفعول آنها در سطح معنایی توصیف کرد و طبق آن گذرایی این افعال را مشخص کرد. به این منظور می‌توان با به‌کارگیری مفهوم «پیش‌نمونه» به عنوان ابزاری تحلیلی برای بررسی گذرایی افعال زیرشمول فعل گفتن در زبان فارسی به مطالعه این افعال پرداخت.

همچنین طبق تحقیق حاضر افعال زیرشمول فعل گفتن در زبان فارسی را می‌توان در سه گروه افعال گذرای پیش‌نمونه‌ای، افعال گذرای غیر پیش‌نمونه‌ای و افعال ناگذرا تقسیم کرد.

منابع

شاه‌حسینی، ف، ۱۳۸۸، «پیش‌نمونه ساخت گذرا از منظر معنی‌شناسی شناختی»، رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

صفوی، ک، ۱۳۷۹، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

-----، ۱۳۸۴، *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

Evans, V. and M. Green ,2006, *Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

- Faber, P. and R. Marial, 1999, *Constructing a Lexicon of English Verbs*. Berlin: Mountain de Gruyter
- Gil, E. R., 2007, Analysis of the Transitive Construction. *Interlinguistica* (17) 915-923.
- Givón, T., 1984, *Syntax: A functional Typological Introduction*. Vol.I Amesterdam: John Benjamins.
- , 2001, *Syntax*. Vol.I. Amesterdam: John Benjamins.
- , 2001, *Syntax*. Vol.II. Amesterdam: John Benjamins.
- Lakoff, G., 1987, *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: university of Chicago Press.
- , 1972, *Linguistics and Natural Logic: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: university of Chicago Press.
- Lakoff, G. and M. Johnson, 1999, *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and It's Challenge to Western Thought*. New York: Basic Books.
- Langacker, R.W., 1991, *Foundations of Cognitive Grammar*. Vol.II. Stanford, CA: Stanford University Press.
- , 2006, *Dimensions of defocusing*. In Voice and Grammatical Relations, Tsunoda, Tasaku and Taro Kageyama (eds.).
- , 1987, *Foundations of Cognitive Grammar*. Vol.I. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Nass, A., 2007, *Prototypical Transitivity*. Amesterdam: John Benjamin Publishers.
- Rosch, E., 1973, "Natural Categories". *Cognitive Psychology* 4:328-350.
- Saeed, J. I., 1997, *Semantics*. Oxford: Blackwell.
- Taylor, J., 1995, *Linguistic Categorization, Prototypes in Linguistic Theory*. Oxford: Oxford University Press.
- , 1989, *Linguistic Categorization, Prototypes in Linguistic Theory*. Oxford: Oxford University Press.
- , 2002, *Cognitive Grammar*. Oxford: Oxford University Press.